

سرمقاله

از آزادی صوری تا آزادی حقیقی رسانه ها

حفیظ الله زکی

دغدغه آزادی بیان و رسانه ها دغدغه بسیاری از انسان های این عصر به شمار می رود. این دغدغه اما در افغانستان از اهمیت و پیچیدگی خاصی برخوردار می باشد. افغانستان در گذشته آزادی بیان را تجربه نکرده است. مطبوعات و رسانه های محدودی اگر وجود داشت به صورت مطلق دولتی بود. رابطه رسانه ها با حکومت، رابطه اقتدارگرایانه بود. در این نوع رابطه رسانه ها مجبور بود تسلیم مطلق قدرت حاکم باشد و از سیاست ها و برنامه های آنها تمجید و تبلیغ کنند.

سلطه دوامدار حکومت های اقتدارگرا در افغانستان، مجالی را برای شکل گیری آزادی بیان بجا نمی گذاشت و بستر و زمینه های سیاسی و اجتماعی برای رشد آزادی و ارزش های دموکراسی نیز مناسب نبود. به این خاطر دموکراسی در افغانستان بسیار دیر هنگام پا به عرصه وجود نهاد.

البته تاهنوز هم برداشت های عمومی از دموکراسی واقعی نبوده و بسیاری بر این باور اند که دموکراسی، حقوق بشر و آزادی بیان و مطبوعات محصول و فرآورده های فرهنگ غرب اند که همراه با مبعی های بی ۵۲ در سال ۲۰۰۱ به افغانستان آمده است و به این خاطر این طیف نسبت به ارزشهای دموکراسی احساس بیگانگی می کنند و آن را مغایر با شریعت اسلامی و یا فرهنگ و عنعنات اجتماعی مردم افغانستان می دانند.

برخی دیگر هرچند دموکراسی و مؤلفه های آن را به نوعی به تلاش های فداکارانه و دوامدار تعداد اندکی از روشنفکران این کشور در دوره های مختلف حاکمیت های سیاسی گذشته مرتبط می دانند؛ اما بازم هنوز با مفاهیم حقیقی آزادی بیان و دموکراسی آشنایی کافی و کامل ندارند. گاه دایره آزادی چنان توسعه داده می شود که هیچ محدودیتی در آن پذیرفتنی دانسته نمی شود و گاه چنان تنگ می شود که عملاً فلتنر از فلتنر آن عبور کرده نمی تواند. در فاصله این افراط و تفریط اما مفهوم دموکراسی در افغانستان همچنان غریب و ناشناخته مانده است.

در چهارده سال گذشته اگرچه آزادی بیان و رسانه ها در قانون اساسی به رسمیت شناخته شد و حکومت در عمل به این آزادی احترام گذاشت؛ اما مسایلی دیگری که بر جریان کار رسانه ها حاکم بودند، خود بخود آزادی را از رسانه ها سلب کرده بود و اصحاب رسانه را مجبور می کرد تا مطابق شرایط حاکم بر کار رسانه اظهار نظر کنند. امروزه خود سانسوری یک اصل تقریباً فراگیر در رسانه ها به شمار می رود. اصلی که موانع زیادی را در مسیر آزادی بیان ایجاد کرده است.

این به این دلیل است که نویسندگان و خبرنگاران در جریان انجام وظایف رسانه ای خود از آزادی عمل مناسب برخوردار نیستند. در مواردی عدم حمایت واقعی از کار رسانه ها سبب می شود که رسانه ها خود را در برابر تهدیدات موجود آسیب پذیر احساس کنند و به ناچار راههای محافظه کارانه را برای ادامه فعالیت های خود برگزینند.

در برخی از موارد خود خبرنگاران به دلیل فقر شدید اقتصادی و وابستگی مالی که به صاحبان رسانه ها دارند، خود را مجبور به نشر برخی مطالب می دانند.

در حالی که نشر آن را به لحاظ حرفه ای خارج از چوکات کار رسانه ای تلقی می کنند. عوامل زیادی دیگری در افغانستان موجود اند که به آزادی بیان لطمه وارد می کنند و از اینرو تا زمانی که رسانه های آزاد به معنای واقعی کلمه در افغانستان شکل نگیرد و حق دسترسی به اطلاعات و معلومات در عمل به رسمیت شناخته نشود و تا زمانی که رسانه ها از انحصار برخی زورمندان و افراد مرتبط با مافیای اقتصادی بیرون نیایند و تا زمانی که تأمین معیشت و نیازمندی های اولیه زندگی خانواده، بزرگترین و مهمترین دغدغه خبرنگاران و نویسندگان را تشکیل بدهد و تا زمانی که حقوق کارکنان رسانه ها از سوی صاحبان رسانه و دولت به صورت دقیق مراعات نگردد و امنیت خبرنگاران تضمین نشود، آزادی بیان به صورت واقعی رخ نما نخواهد شد.

پس این دلیل اگرچه ما به لحاظ کمی و ظاهری در عرصه آزادی بیان و رسانه ها رشد چشمگیری داشته ایم؛ اما به لحاظ کیفی و حقیقی، تا آزادی بیان و رسانه در افغانستان راه دشوار، پیچیده و طولانی در پیش داریم.

چند روز پیش مقامات بلند پایه شورای عالی صلح خبری مبنی بر اعزام هیئت به قطر را برای گفتگو با گروه طالبان را تأیید کرد. مقامات گفته اند که این هیئت با نماینده های گروه طالبان در روز یکشنبه و دوشنبه گفتگو خواهد کرد. همچنین گفته شده است که نمایندگان حکومت پاکستان نیز در این گفتگو حضور دارند. این در حالی است که در هفت ماه گذشته هیچ خبری از گفتگوی صلح نرسد. تلاش ها تنها در سطح دیپلماتیک برای فشار آوردن پاکستان خلاصه می شد. مقامات پاکستانی نیز گفته بود که شبکه های از گروه طالبان حاضر است به صورت مستقیم با حکومت افغانستان وارد گفتگو شود. حال سوال این است که دلیلی آغاز دوباره گفتگوها در عین حملات شدید گروه طالبان در ولایت های مختلف چیست؟ آیا گفتگو های صلح به نتیجه ای خواهد رسید. در نوشته حاضر، سعی می شود این مسئله مورد بحث قرار گیرد.

آغاز گفتگوها و حملات شدید گروه طالبان به چه معنی است؟ باور نویسنده بر این است که گروه طالبان به این درک رسیده است که دیگر قادر به سقوط حکومت کابل نخواهد بود. زیرا، حکومت کابل با امضا پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا تضمین برای ثبات و حفظ خود یافته است.

بدین معنی که پیمان امنیتی میان کابل - واشنگتن برای گروه طالبان ناامید کننده بود. این پیمان آرمان ها و آرزو های گروه طالبان ویران کرد. ایسده ها و باور های مبنی بر کسب قدرت سیاسی را از ذهن آن ها برای همیشه بیرون کرد. در چنین شرایطی تشدید حملات تنها به منظور کسب امتیاز های بیشتر از حکومت کابل است. شاید انگیزه های دیگری نیز در پشت حملات دسته جمعی گروه طالبان در ولایات مختلف باشد اما یکی از انگیزه ها و دلایل اصلی آن فشار آوردن بر حکومت کابل و کسب امتیازات بیشتر است.

حکومت کابل نیز به دنبال آن است تا با

دادن امتیازاتی به گروه طالبان آن ها را به پروسه صلح بکشاند. این حملات می تواند مقامات حکومت افغانستان را وادارد تا امتیاز بیشتری به گروه طالبان بدهد. با این حال، نادیده نباید انگاشت که گروه طالبان دیگر آرزو ها و آرمان های گذشته را ندارد. در ذهن هیچ یک از رهبران گروه طالبان تصویر گرفتن دوباره قدرت سیاسی وجود ندارد. از این جهت، مقامات حکومت کابل نیز باید با توجه به ابزارها و توانمندی و ظرفیت خود با گروه طالبان وارد مذاکره شود. پیمان امنیتی میان کابل - واشنگتن یک ظرفیت کلان برای حکومت افغانستان است. از این امتیاز باید در گفتگو های صلح و در دادن امتیازها استفاده نماید. مسئله دیگر این است که تا هنوز معلوم نیست که رهبر گروه طالبان رضایت به گفتگو داده است یا خیر. این می رساند که گفتگو های صلح در آینده اشباع در میان گروه طالبان می اندازد.

بخش از گروه طالبان به پروسه صلح رو می آورد و جذب حکومت می شود. ولی بخش از گروه طالبان ممکن همراه رهبر قدیمی خود و یا رهبر جدید به حملات تروریستی خود ادامه می دهد.

به احتمال زیاد این گروه به سه دسته تقسیم خواهد شد. بخش از گروه طالبان که خیلی تندرو نیستند وارد پروسه صلح می شود. بخش شان به صورت مستقل و همانند گذشته به فعالیت دهشت افکنی ادامه می دهد و بخش تندرو تر آن جذب گروه های تندرو همانند داعش می شود. در چنین شرایطی اگر چه از تعداد شورشیان در افغانستان کم می شود اما بخش از گروه طالبان به فعالیت خود ادامه خواهد داد. بنابراین، جدا از کم شدن تعداد شورشیان حکومت افغانستان قادر نخواهد بود تا به صلح پایدار دست یابد.

در صورتی که این مهم تحقق یابد به زودی امکان پذیر نیست. زیرا، تا هنوز رهبر گروه طالبان سخن در مورد پروسه صلح نزده است. این می رساند که رهبر گروه طالبان همچنان به عنوان یک بازیگر باقی

گفتگو های صلح جان تازه می گیرد؟

علی قادری



با آمریکا به کجا خواهد انجامید. در صورت که رقابت ها جنبه خشونت آمیز به خود بگیرد، چین می تواند از گروه های تندرو و دهشت افکن در برابر آمریکا استفاده کند. بنابراین، انتظار نباید داشت که به زودی پروسه صلح جواجوگ باشد. در پایان باید گفت که گفتگو های صلح نتیجه دارد. نتیجه آن جذب بخش از گروه طالبان به حکومت است. اما حکومت قادر به جذب همه گروه طالبان نخواهد بود. شبکه های تندرو این گروه باقی خواهد ماند و بخش از نیرو های تندرو این گروه جذب داعش خواهد شد. پاکستان با فشار چین در پروسه صلح همکاری خواهد کرد اما عربستان سعودی از پروسه صلح نمی برد. اما همکاری چین و پاکستان نیز منجر به از بین رفتن گروه طالبان نمی شود.

تنش ها و رقابت های جدید ایالات متحده آمریکا و چین را نیز نباید نادیده گرفت. همه این ها تأییری زیاد بر گفتگو های صلح می گذارد. چین به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی در حال تجربه چرخش در سیاست خود به سمت کشور های آسیا است. چین تا اندازه بازار خود را در کشور های اروپایی و آمریکایی از دست داده است. به همین خاطر، در صدد آن است تا بازار جدید در آسیا بیابد. سرمایه گذاری ۴۶ میلیارد دلر در پاکستان نمونه عینی آن است. چین بدون شک، بر پاکستان فشار خواهد آورد تا در پروسه صلح همکاری نماید. اما چین به دنبال منحل شدن گروه طالبان نیز نیست. زیرا، معلوم نیست که رقابت چین

می ماند. اگر سود گفتگو های صلح برای حکومت افغانستان کاهش شورشیان به لحاظ کمی است. برای گروه طالبان هیچ سودی ندارد. آن ها بخش از نیرو های خود را از دست خواهد داد و تضعیف خواهد شد. تضعیف شدن این گروه و کاهش نیرو های انسانی این گروه باعث می شود که حکومت افغانستان بتواند کنترل کامل بر این نیرو ها داشته باشد و حملات آن ها را خنثی نماید. بنابراین، امیدی برای امنیت نسبی در آینده منصور است. نادیده نباید انگاشت که دست یابی به امنیت نسبی تنها منوط به خواست و اراده دو طرف نیست. نقش حکومت پاکستان، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و چین نیز مهم و اساسی است. در عین حال،

رابطه نظام های رسانه ای و استراتژی رفتاری در مطبوعات

دکتر فریدون وردی نژاد

بعد از آن در طول قرن بیستم، این آزادی در کشورهای آسیایی و آفریقایی هم مورد توجه قرار گرفت. جایگاه حقوقی آزادی مطبوعات در بحث از آزادی مطبوعات به لحاظ حقوقی، می توان دوگونه تعریف عام و خاص برای آن در نظر گرفت. آزادی مطبوعات به معنای عام: جستجو، جمع آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه ای آن ها، انتشار آزادانه روزنامه ها، بخش آزادانه برنامه های رادیو-تلویزیونی، اینترنتی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه های مذکور را دربرمی گیرد. در واقع می توان گفت آزادی مطبوعات به این معنای وسیع، در ادبیات امروز، همان آزادی اطلاعات یا آزادی ارتباطات است.

در معنای خاص می توان آن را به معنای نشر آرزو روزنامه ها و سایر نشریات دورهای، بدون هیچ گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه ای آن ها بعد از انتشار، پیش بینی ضوابط مسئولیت های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات احتمالی آنان در دادگاه های عادی یا حضور هیئت متصفه دانست. آزادی مطبوعات به معنای خاص که از لحاظ تاریخی و حقوقی، یک آزادی فردی کلاسیک در مجموعه آزادی های بنیادی و عمومی به شمار می رود، از چند لحاظ تعهد پذیر است:

۱. از لحاظ حفاظت در برابر استبداد سیاسی؛
۲. از لحاظ وسیله فرار گرفتن جهت پیشبرد حقیقت؛
۳. از لحاظ اهمیت.

حرفه روزنامه نگاری به عنوان رسته چهارم کشور در معرض تهدید قرار گرفته یا چایی که آزادی رسانه های خبری با حقوق دیگر قانون اساسی برخورد شدید پیدا کند، باید محدود شود؛ که در همین راستا حدودی برای این نوع از آزادی در نظر گرفته شده است. این محدودیت ها در کشورهای دارای انتشار آرزو مطبوعات براساس نظام تنبیهی برای مرحله ی بعد از انتشار مطبوعات مطرح می گردند و در صورتی که روزنامه یا مجله ای با چاپ برخی مطالبی که معیارها و ضوابط مشخصی که در این باره در قوانین اساسی یا عادی پیش بینی شده اند، تخطی کند، مورد

مقدمه:

بررسی وسایل ارتباط جمعی معاصر نظیر مطبوعات رادیو و تلویزیون و خبرگزاریها، می توان آنها را به عنوان مهمترین وسیله ارتباط سیاسی به شمار آورد. رسانه ها ویوزیه مطبوعات، گزارشگران وقایع سیاسی و متعکس کننده مذاکرات مجامع سیاسی و نهادهای فائونگذار محسوب می شوند. مطبوعات همچنین به عنوان سکو یا تریبون برای بیان عقاید سیاسی و وسیله ای در دست احزاب و سازمان های سیاسی برای بسیج افکار عمومی یا شکل دادن به مرام و مسلکی و ابزاری برای پروپاگاندا در کشمکش بین دولت ها ظاهر شده اند. از سویی دیگر می توان گفت مطبوعات نگهبان ناظر بر عملکرد حکومتها و از همه مهمتر وسیله ای برای آگاه کردن مردم از مسائل مملکتی و اعمال قدرت در جوامع بوده اند. رابطه نزدیک بین سیاست و رسانه ها را می توان از امتیازاتی برشمره

که در جوامع مختلف ازسوی حکومتها برای آنها منظور شده است. البته این امتیازات در مواردی تبدیل به انتصراهایی نیرزمی شده و بیست به نوع نظام حاکم بر جوامع متفاوت است. نقش انتقادی و بسیج گر رسانه ها بویژه مطبوعات در انقلابهای آمریکا، فرانسه، اروپای مرکزی و روسیه برچرخس پوشیده نیست. بنابراین رسانه ها همواره بخش غیرقابل تفکیک در امر نشر اندیشه ها و ایده ها در منازشات بین طرفین دعوا برسر قدرت سیاسی، ایدئولوژی های سیاسی، دولت و ویوزیسیون مردم بوده اند.

تعیین استراتژی ها:

سیاستگذاری به صورت کلان مدیریت عبور از تهدیدها و خلق فرصت هاست. سازمانها موقعی مدیریت می شوند که سیاستگذاری و خط مشی داشته باشند. برای برنامه ریزی که در اصل پیش بینی آینده است باید به درون و بیرون سازمان توجه شود. برای برنامه ریزی و پیش بینی عملیات آینده ما باید در کار رسانه ای برای انطباق با محیط و همراه شدن با آن به ساختن محیط و اثر گذاشتن روی محیط بیااندیشیم و در اصل سیاستگذار و مدیر رسانه ای و خبری به اقتضای شرایط منطبق نمی شود، بلکه محیط و آینده را می سازد و فرقی بین یک مدیر رسانه ای یا مدیر سایر سازمان ها در این است که او متعلق می شود ولی مدیریت رسانه ای دگرگون می سازد و در این دگرگون سازی و ایجاد فرصت های نو، افکار عمومی نقش تعیین استراتژی:

برای هدفمندی، یعنی راههای وصول به هدف و نقشه و راهنما در هر زمینه کاری، استراتژی های فراوانی وجود دارد، برای کار مطبوعات مهمترین استراتژی های موجود عبارتند:

- ۱- استراتژی تمایز: یعنی ما می خواهیم خدماتی ارائه کنیم که تک و بی رقیب باشد و هیچ همتایی نداشته باشد و هر میزان امکانات و هزینه بخواهد اشکال نداشته باشد.
- ۲- استراتژی حداقل هزینه: می خواهیم خبر خوب تهیه کنیم، با ارزانه ترین هزینه و مخرج ممکن عوامل مؤثر بر رسانه های خبری، رسانه ها معمولاً تحت تأثیر عوامل متعددی هستند، از جمله:

- ۱- ارزشها و اعتقادات (ایدئولوژی): ارزشهای جوامع راه و رسم و شیوه زندگی جوامع هستند. در وضعیتهایی که میان برداشتها و اعتقادات سیاستگذار و اطلاعات به دست آمده ناسازگاری وجود داشته باشد، ممکن است جامعه به اشکال گوناگون واکنش نشان دهد. از جمله ممکن است برداشتها و برداشت های خود اصرار ورزد. به طور کلی ایدئولوژی از چند طریق به هدفها و کنشهای سیاسی ارتباط پیدا

کارتون روز

بدون شرح

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بومای

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

افغانستان
The Daily Afghanistan

روزنامه افغانسان

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine